

## بررسی رابطه‌ی سرمایه فرهنگی و توسعه سیاسی پایدار شهری (نمونه مورد مطالعه: شهر اصفهان)

رحمت الله بابامیر ساطحی<sup>۱</sup>

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۲/۴

اصغر محمدی<sup>۲</sup>

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۴/۲۰

منصور حقیقتیان<sup>۳</sup>

## چکیده

توسعه سیاسی یکی از شاخه‌های توسعه است با هدف رسیدن به پیشرفت، صنعتی شدن، رفع فقر، رفع وابستگی، ایجاد تحولات ساختاری و اصلاحات در تمام بخش‌های جامعه و گذار از حالت نامطلوب زندگی گذشته به شرایط بهتر. با عنایت به اهمیت موضوع توسعه سیاسی پایدار این تحقیق به منظور تحلیل و بررسی رابطه‌ی سرمایه فرهنگی و توسعه سیاسی پایدار شهری از دیدگاه شهروندان شهر اصفهان به انجام رسیده است. روش تحقیق پیمایش و جامعه آماری افراد ۱۸ سال به بالای شهر اصفهان است که تعداد آنها بر اساس آخرین آمار در حدود ۱۵۰۰۰۰۰ هزار نفر می باشد و تعداد ۳۸۴ نفر از این افراد با بهره گیری از فرمول کوکران به عنوان حجم نمونه در نظر گرفته شده اند.

یافته ها حاکی از آن است که بین میزان کل سرمایه فرهنگی (۰/۳۲) و تمامی ابعاد آن یعنی سرمایه فرهنگی عینیت یافته (۰/۳۴)، سرمایه فرهنگی نهادینه شده (۰/۳۱) و سرمایه فرهنگی تجسم یافته (۰/۳۷) با میزان توسعه سیاسی پایدار شهری ارتباط مثبت و مستقیم و معنادار وجود دارد. نتایج بدست آمده از مدل معادله ساختاری (Smart PLS) نیز حاکی از آن است که سرمایه فرهنگی بر توسعه پایدار شهری تأثیر متوسط داشته (۰/۵۶) و متغیر سرمایه فرهنگی در مجموع (۰/۳۱) از واریانس متغیر توسعه سیاسی پایدار شهری را تبیین می کند.

**کلیدواژگان:** توسعه، توسعه سیاسی پایدار، سرمایه فرهنگی، شهر اصفهان، مناطق شهری.

<sup>۱</sup> . دانشجوی دکترای جامعه‌شناسی، واحد دهقان، دانشگاه آزاد اسلامی، دهقان، ایران.

<sup>۲</sup> . استادیار گروه جامعه‌شناسی، واحد دهقان، دانشگاه آزاد اسلامی، دهقان، ایران. (نویسنده مسئول)

<sup>۳</sup> . دانشیار گروه جامعه‌شناسی، واحد دهقان، دانشگاه آزاد اسلامی، دهقان، ایران.

## ۱. مقدمه و بیان مسئله

توسعه سیاسی یکی از شاخه‌های توسعه است با هدف رسیدن به پیشرفت، صنعتی شدن، رفع فقر، رفع وابستگی، ایجاد تحولات ساختاری و اصلاحات در تمام بخش‌های جامعه و گذار از حالت نامطلوب زندگی گذشته به شرایط بهتر. توسعه سیاسی با برخی مفاهیم دیگر همانند فرهنگ سیاسی، انجام تبلیغات سیاسی، تعاملات سیاسی، مشارکت‌های سیاسی و... در ارتباط است. با این که نوسازی و توسعه گاهی مترادف به کار می‌روند، اما برخی از محققان، توسعه سیاسی را خیلی عالم‌تر از نوسازی سیاسی تلقی می‌کنند و معتقدند نوسازی سیاسی در بطن توسعه سیاسی است (میرزائی و عظیمی، ۱۳۹۹: ۳-۱). اهمیت توسعه عمدتاً پس از پایان جنگ جهانی دوم دوچندان گردیده است. این عنوان که به مفهومی مستقل در فضای پس از پایان جنگ هویت پیدا کرد، گرچه قبل از آن در قالب سوابق توسعه قابل تأمل و بررسی است، اما در مفهومی عمومی آن به معنای رسیدن به سطح کشورهای صنعتی است. در این تفکر توسعه در وهله اول به معنای رشد اقتصادی بوده که به مرور زمان مکانیزاسیون، صنعتی شدن و رشد اقتصادی و نوسازی در ابعاد سیاسی و اجتماعی نیز به آن افزوده شد (جهانگیری، ۱۳۹۴: ۱).

موضوع بحث آثار نوشته شده در توسعه سیاسی، همواره گفت‌وگو برانگیز بوده است. از نظر شماری از پژوهشگران، توسعه سیاسی عبارت است از روش‌ها و خط‌مشی‌های سیاسی که رشد اقتصادی را در کشورهای درحال توسعه هموار می‌سازد. شمار دیگری از محققان، توسعه سیاسی را به مطالعه رژیم‌های جدید، نقش گسترش یافته حکومت‌ها، بالا بردن مشارکت سیاسی و توانایی رژیم‌ها بر حفظ نظم در شرایط تحولات پرشتاب و همچنین رقابت بین دسته‌های سیاسی، طبقات و گروه‌های قومی بر سر قدرت و نیز رقابت در منزلت اجتماعی و ثروت، تعریف می‌کنند. از نظر عده‌ای دیگر، توسعه سیاسی، چگونگی روی دادن انقلاب‌ها، به ویژه شرایط جایگزینی نظام‌های سرمایه‌داری با سوسیالیستی است. دانشمندان علوم سیاسی و جامعه‌شناسانی که به مطالعه سیاست و حکومت در آسیا، آفریقا و امریکای لاتین پرداخته‌اند، همواره نهاده‌های مختلفی را به تعریف در آورده‌اند (نوسازی، توسعه، نظم سیاسی، همگرایی، مشروعیت) و دست به ابداع مفاهیم جدیدی زده‌اند (نهادی شدن سیاسی، بسیج اجتماعی، فرهنگ سیاسی، وابستگی) و درباره این که چه روش‌شناسی‌هایی مناسبند، به بحث پرداخته‌اند، گاهی انگیزه آنها در این کار، کنجکاوی ذهنی و زمانی آرمان‌گرایی بوده و برخی اوقات نیز دولت و دیگر مؤسسات، آنها را در تعیین خط‌مشی درگیر ساخته‌اند (جهانگیری، ۱۳۹۴: ۱).

موضوع بحث آثار نوشته شده در توسعه سیاسی، همواره گفت‌وگو برانگیز بوده است. از نظر شماری از پژوهشگران، توسعه سیاسی عبارت است از روش‌ها و خط‌مشی‌های سیاسی که رشد اقتصادی را در کشورهای درحال توسعه هموار می‌سازد. شمار دیگری از محققان، توسعه سیاسی را به مطالعه رژیم‌های جدید، نقش گسترش یافته حکومت‌ها، بالا بردن مشارکت سیاسی و توانایی رژیم‌ها بر حفظ نظم در شرایط تحولات پرشتاب و همچنین رقابت بین دسته‌های سیاسی، طبقات و گروه‌های قومی بر سر قدرت و نیز رقابت در منزلت اجتماعی و ثروت، تعریف می‌کنند. از نظر عده‌ای دیگر، توسعه سیاسی، چگونگی روی دادن انقلاب‌ها، به ویژه شرایط

جایگزینی نظام‌های سرمایه‌داری با سوسیالیستی است. دانشمندان علوم سیاسی و جامعه‌شناسانی که به مطالعه سیاست و حکومت در آسیا، آفریقا و امریکای لاتین پرداخته‌اند، همواره نهادهای مختلفی را به تعریف در آورده‌اند (نوسازی، توسعه، نظم سیاسی، همگرایی، مشروعیت) و دست به ابداع مفاهیم جدیدی زده‌اند (نهادی شدن سیاسی، بسیج اجتماعی، فرهنگ سیاسی، وابستگی) و درباره این که چه روش‌شناسی‌هایی مناسبند، به بحث پرداخته‌اند، گاهی انگیزه آنها در این کار، کنجکاوی ذهنی و زمانی آرمان‌گرایی بوده و برخی اوقات نیز دولت و دیگر مؤسسات، آنها را در تعیین خط‌مشی درگیر ساخته‌اند (هانتینگتون و واینر، ۱۳۹۲: ۱۱ - ۹).

تا قبل از دهه‌ی هفتاد میلادی، در ادبیات رایج توسعه، فرهنگ و ارزش‌های فرهنگی، جایگاهی درخور نداشت و عوامل اقتصادی، محور مباحث توسعه را تشکیل می‌داد؛ اما در دهه‌ی هفتاد به‌بعد، بسیاری از نظریه‌پردازان چنین نگرشی را برنرفته و به ارزشی بودن توسعه در ابعاد اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی گرویده‌اند. توسعه که پیش از این، امری صرفاً اقتصادی و مساوی با رشد تولید ملی تلقی می‌شد، پس از آن، در کنفرانس‌های سازمان ملل متحد، عوامل دیگری مانند عوامل فرهنگی، مورد عنایت قرار گرفت و چگونگی توزیع منابع رشد، در کانون توجه واقع شد (نظریور، ۱۳۷۸: ۱۳-۱۱).

سرمایه فرهنگی باعث فهم انتقادی مردم از وضعیت اجتماعی خود است. طبقه‌های مختلف، به‌وسیله سرمایه فرهنگی، نگاه مثبت به هویت اجتماعی خود پیدا می‌کنند و خود را از ساختار سلطه جدا می‌سازند. این طبقه‌ها، در روندهای مورد علاقه خود مشارکت می‌کنند و از این طریق، می‌توانند به توسعه جامعه کمک می‌نمایند (باینگانی و کاظمی، ۱۳۸۹: ۷۴).

سرمایه فرهنگی می‌تواند، به دستیابی تعداد بیشتر افراد جامعه به ریشه‌های معرفتی، افزایش عقل‌گرایی در جنبه‌های متفاوت حیات، افزایش سطح مشارکت کلی در تولیدات علمی و فرهنگی، تسریع در تغییرات اجتماعی، افزایش علوم جدید و افزایش تبادل داده‌ها و اطلاعات برای اکثریت افراد موجود در یک جامعه کمک کند و بدین ترتیب در بالا رفتن توسعه سیاسی در سطح جامعه مؤثر واقع گردد (مرادی زاده و چراغ بیرجندی، ۱۹۷: ۴ - ۲).

بنابراین با توجه به موارد عنوان شده و این موضوع که بررسی و مطالعه مبانی نظری و مقدمات و بسترهای اجتماعی مقوله توسعه سیاسی در ایران از اهمیت بسزایی برخوردار است زیرا این نهال نوپا، نیازمند صیانت و تلاش مضاعف صاحبان اندیشه صائب، در مورد ابعاد گوناگون این مقوله است و این موضوع که گرچه شناخت توصیفی-تحلیلی از روند توسعه سیاسی در ایران از اهمیت زیادی برخوردار است، اما به نظر می‌رسد شناخت آسیب‌ها و چالش‌های آن و به‌ویژه نسبتی که با مقولات دیگر از جمله حوزه سیاست و سیاستمداری پیدا می‌کند، به‌مراتب مهم‌تر و حیاتی‌تر است پژوهش حاضر به دنبال بررسی این سوال اصلی می‌باشد که آیا بین سرمایه فرهنگی و توسعه سیاسی پایدار شهری در بین شهروندان شهر اصفهان ارتباط وجود دارد؟

## ۲. پیشینه تحقیق

- جهانی نیا (۱۴۰۰) در پژوهش خود به «واکاوی رابطه سرمایه اجتماعی با توسعه سیاسی - مشارکت سیاسی در بین کارکنان و دانشجویان» پرداخته است. نتایج حاصل از تحلیل داده‌ها نشان داد که که رابطه همبستگی بین دو

متغیر سرمایه اجتماعی و مشارکت سیاسی تایید شده است. بدین ترتیب که رابطه مستقیم و معناداری بین دو متغیر سرمایه اجتماعی و مشارکت سیاسی وجود دارد. همچنین نتایج آزمون اسپیرمن نشان داد که رابطه همبستگی بین بعد مشارکت سیاسی و توسعه سیاسی رابطه با ضریب تایید شده است.

- موسوی و دیگران (۱۳۹۹) پژوهشی را با عنوان «چندپارگی فرهنگی و توسعه سیاسی ایران معاصر» به انجام رساندند. نتایج نشان دادند که بررسی نقش و تأثیر فرهنگ در توسعه سیاسی و اجتماعی از اهمیت بسیار برخوردار است. توسعه سیاسی به عنوان یکی از ابعاد مهم توسعه همه جانبه و پایدار از یک طرف مستلزم تحول در ساخت سیاسی و از طرف دیگر مستلزم تحول در حوزه فرهنگ است؛ به عبارت دیگر دلایل توسعه نیافتگی سیاسی را باید از دو منظر مختلف مورد مطالعه قرار داد. نخست مطالعه ساخت سیاسی در بعد کلان و ساختارهای سیاسی در بعد خرد و دوم مطالعه ابعاد مختلف فرهنگ. چندپارگی فرهنگی در ایران که بیشتر ناشی از شکاف های تمدنی بوده است، از رویارویی دو نظام متفاوت معرفتی با ارزش های کاملاً از هم تمایز حکایت می کند؛ و چالش این دو نظام معرفتی با هم باعث ایجاد جو بدبینی، بی اعتمادی، ترس و خشونت در حوزه اجتماعی و سیاسی گردیده و مانع پیدایش همپذیری و تساهل لازم برای مشارکت و رقابت سیاسی که از شاخص های اصلی توسعه سیاسی می باشند گردیده است.

- حمیدی هریس و راد (۱۳۹۶) در پژوهش خود به «ارتباط سرمایه فرهنگی و مشارکت سیاسی دانشجویان» پرداخته اند. نتایج تحقیق نشان می دهد بین متغیر میزان سرمایه فرهنگی و میزان مشارکت سیاسی با سطح معنی داری (۰/۰۰۱) و میزان آگاهی سیاسی با سطح معنی داری (۰/۰۰۱)، میزان مشارکت در تجمعات سیاسی دانشجویان با سطح معنی داری (۰/۰۰۱) و میزان سیاسی بودن گروه مرجع (دوستان) دانشجویان سطح معنی داری (۰/۰۰۳) و میزان مشارکت در انتخابات (۰/۰۰۱) و سطح عضویت در انجمن ها و احزاب سیاسی سطح معنی داری (۰/۰۰۱) رابطه معنی داری وجود دارد، اما بین سرمایه فرهنگی و احراز مناصب سیاسی با سطح معنی داری (۰/۲۸) رابطه معنی داری وجود ندارد. بین متغیر زمینه ای سن و میزان مشارکت سیاسی دانشجویان با سطح معنی داری (۰/۸۷۳) رابطه وجود ندارد، هم چنین بین میزان مشارکت سیاسی در سطوح مختلف تحصیلی (۰/۴۴۸) و جنسیت (۰/۷۲۶) تفاوت معنی داری وجود ندارد. اما بین وضعیت تاهل با سطح معنی داری (۰/۰۰۹) تفاوت معنی داری وجود دارد.

- مرادنژادسرای و دیگران (۱۳۹۵) در پژوهش خود به «نقش فرهنگ سیاسی در توسعه سیاسی جامعه» پرداخته اند. یافته ها نشان می دهد که یکی از ویژگی های انسان دارا بودن نیروی اندیشه و فرهنگ تجلی آن است. فرهنگ سیاسی به نظام پیچیده و پویایی از مردم، جهان بینی ها، کنش ها و شرایط موجود که به وسیله ارتباطات تغییر یافته اند به وجود می آید و هدف از آن در این مقاله، نگرش ها و سمت گیری های فردی نسبت به سیاست مورد بررسی قرار می گیرد، و مفهوم توسعه سیاسی به معنی بالا رفتن پتانسیل یک نظام سیاسی در حل و فصل تضادهای منافع فردی و جمعی است.

- رضائی و دیگران (۱۳۹۰) پژوهشی را با عنوان «موانع فرهنگی توسعه سیاسی در ایران و ارایه راهکارهای مدیریتی در این حوزه» به انجام رساندند. پژوهش حاضر با هدف شناسایی و بررسی برخی عوامل بازدارنده

فرهنگی در مسیر دستیابی به توسعه سیاسی انجام گرفته است. نتایج پژوهش نشان می دهد که دانشجویان بدون تاثیر عوامل سنتی خواهان تغییر هستند از سوی دیگر خودمداری و پنهانکاری از موانع اصلی توسعه سیاسی افراد باید مورد توجه برنامه ریزان کلان کشور قرار گیرد. همچنین نبود رابطه بین جنسیت و توسعه سیاسی حاکی از رشد سیاسی زنان تحصیلکرده می باشد.

- گات<sup>۱</sup> و همکاران (۲۰۱۷) «رابطه ی بین مذهب و توسعه سیاسی را در بین گروه های مذهبی در آمریکا» مورد مطالعه قرار دادند. یافته ها نشان داده که شرکت کنندگان یهودی به نسبت مسیحیان بیشتر در فعالیت های سیاسی مشارکت دارند. در میان مسیحیان نیز گروه های میانه رو و نوگرا به نسبت گروه های سکولار و غیرمذهبی مشارکت سیاسی بیشتری داشته اند. همچنین فرقه های کاتولیک، مدرنیست و میانه رو بیشتر از فرقه های دیگر در انزوای سیاسی هستند. همچنین میزان مشارکت گروه ها به عوامل دیگری همچون الگوهای فرهنگی، گرایش های دینی، منفعت های سیاسی احزاب و دانش و فرهنگ سیاسی افراد بستگی دارد. نتایج این مطالعه حاکی از رابطه مثبت بین عقاید مذهبی و مشارکت سیاسی بود.

- جمنا و کارلرو<sup>۲</sup> (۲۰۱۱) در پژوهشی با عنوان «ارزش ها و مشارکت سیاسی دانشجویان» بر روی گروهی از دانشجویان در رومانی نشان دادند که میزان رأی در انتخابات کشور در دانشجویانی که تمایل به فعالیت های مذهبی دارند، به شکل معناداری بسیار بالاتر از افرادی است که هرگز مشارکت مذهبی نداشته اند.

- اولسن<sup>۳</sup> (۲۰۰۱) نیز در کتاب «پویایی های جامعه ای عوامل مرتبط با مشارکت سیاسی» را مطرح می کند. او به بررسی تحقیقات انجام شده می پردازد و نتیجه می گیرد: برخلاف گذشته در سال های اخیر میزان مشارکت مردان و زنان در ایالات متحده به نحو چشمگیری یکسان و برابر شده است. با افزایش سن افراد، میزان مشارکت سیاسی افزایش پیدا می کند ولی در سنین کهنسالی بتدریج کاهش می یابد. سفید پوستان بیش از سایر نژادها، یهودیان بیش از کاتولیکها و پروتستان ها، افراد تحصیلکرد بیش از افراد کم سواد، افراد با منزلت اجتماعی- اقتصادی بالا بیش از افرادی که در مراتب پایین تر منزلتی قرار دارند، افراد دارای درآمد بالا بیش از افراد دارای درآمد پایین، فرزندان والدینی که به امور سیاسی می پردازند بیش از همین فرزندان در خانواده هایی که به امور سیاسی تمایل نشان نمی دهند، افرادی که عضو انجمنهای داوطلبانه اند بیش از افرادی که عضویت ندارند و افرادی که به وسایل ارتباط جمعی مانند خواندن روزنامه و تماشای تلویزیون می پردازند بیشتر در فعالیت های سیاسی درگیر می شوند.

### ۳. مبانی نظری

#### ۱-۳. نظریه های توسعه سیاسی

1. Guth

2. Jemna & Curelaru

3. Olsen

ساموئل هانتینگتون<sup>۱</sup> توسعه سیاسی را معادل نوسازی می‌داند و بر این باور است که میزان صنعتی شدن جوامع، تحرک و تجهیز اجتماعی، مشارکت سیاسی و رشد اقتصادی از شاخص‌های توسعه سیاسی به شمار می‌روند. از نظر وی، هر اندازه نظام سیاسی از وضعیت ساده به وضعیت پیچیده، از وابسته بودن به داشتن استقلال، از عدم انعطاف به انعطاف پذیری و از تشنگی به یگانگی متمایل شود، به همان اندازه به میزان توسعه سیاسی آن نظام افزوده می‌گردد (هانتینگتون، ۱۳۹۶: ۸۴).

مارتین لیپست<sup>۲</sup> ثبات نظام سیاسی را شاخص توسعه سیاسی تعریف می‌کند و نشان می‌دهد که کشورهایی که شاخص‌های توسعه آنها در سطح بالاتری قرار دارد، اغلب کشورهایی هستند که نظام سیاسی آنها از ثبات بیشتری برخوردار است. به عکس، کشورهایی که شاخص‌های توسعه آنها در سطح پایین‌تری قرار دارد، بیشتر نظام‌های سیاسی بی‌ثبات دارند (قوام، ۱۳۹۰: ۱۰۸).

از نظر شیلز<sup>۳</sup>، تمام دولت‌های درحال پیشرفت هدف مشترکی دارند و آن متجدد شدن، دموکراسی و مساوات طلبی است و مجموعه این اهداف، دولت‌های جدید را به سوی دموکراسی غربی سوق می‌دهند. از این نظر، هر نظام سیاسی به سوی برقراری رژیم حرکت می‌کند که ویژگی آن تفوق قوانین مدنی، عملکرد نهادهای نمایندگی و اعمال بدون محدودیت آزادی‌های سیاسی است (بدیع، ۱۳۹۳: ۶۳ - ۶۰).

کارل دوپچ<sup>۴</sup> میزان تحرک اجتماعی را معیار عمده توسعه سیاسی در نظر می‌گیرد و تحرک اجتماعی را به وسیله افزایش درآمد، تمایل بیشتر به مصرف کالاهای فرهنگی، گسترش شهرنشینی، مشارکت بالا در انتخابات و تبعیت از قوانین مقدور می‌داند (قوام، ۱۳۹۰: ۸۶).

میلبراث و گوئل<sup>۵</sup> در تبیین مشارکت سیاسی از هفت عامل عمده نام می‌برند. این عوامل عبارتند از: داشتن انگیزه سیاسی، دارا بودن موقعیت اجتماعی، داشتن ویژگی‌های شخصی، مکان سیاسی مناسب، مهارت، منابع و تعهد.

آلموند<sup>۶</sup> معتقد است مشارکت شهروندان نشان‌دهنده شیوه بهره‌برداری شهروندان واحد ایستارهای مشارکتی متفاوت از موقعیت‌هایی می‌باشد که نهادهای مختلف در اختیارشان می‌گذارد. افرادی که دانش مناسبی را دارا هستند، به پتانسیل‌های خود برای اعمال نفوذ بر سایرین مطمئن هستند، یا مراتب امور سیاسی هستند، یا وظیفه خویشتن را مشارکت می‌دانند و از موقعیت‌هایی که برای مشارکت نمودن ایجاد می‌گردد بهره می‌برند (آلموند، ۱۳۷۶: ۹۹).

در تئوری کارکردی آلموند و وربا از لحاظ ساختاری بر تفاوت‌های ساختاری، فرهنگ مادی و میزان بالای استقلال نظام‌های فرعی تاکید گردیده است. علاوه بر این از جنبه رفتارگرایی به مصلحتی اندیشیدن، ارجحیت داشتن اقدامات جمع‌گرایانه بر فردگرایانه میزان همبستگی و دوستی با نظام سیاسی اعتقاد دارند (مهدی‌خانی،

1. Samuel Huntington

2. Martin Lipset

3. Shils

4. Karl Deutsch

5. Milbrath and Goel

6. Almond

۱۳۸۰: ۱۸۵). آنها می‌گویند با اندازه گرفتن و تعیین نمودن مقدار تغییرات در ساختارهای اجتماعی، در الگوهای فرهنگ پذیری، در میزان تقاضاها، در بوجود آوردن گروه‌های نفوذ، احزاب سیاسی و وسایل ارتباطی جمعی، این تغییرات را بعنوان ابعاد توسعه سیاسی و در پایان بتوان بین خواسته‌ها و تصمیمات نظام تعادل برقرار نمود (امین زاده، ۱۳۷۶: ۱۰۴).

براون<sup>۱</sup> معتقد است که عوامل مختلفی باعث مشارکت انتخاباتی مردم میشوند. این عوامل تأثیرگذار عبارتند از: خانواده- محل سکونت، ریشه‌های قومی، تصورات حزبی، وسایل ارتباط جمعی، عوامل فرهنگی و دین. به زعم وی هر کدام از این عوامل بر چگونگی رفتار رأی‌دهندگی افراد تأثیر می‌گذارند (طیبی نیا و نقدی، ۱۳۹۱: ۶۳).

## ۲-۳. نظریه‌های سرمایه فرهنگی

از جمله مهم‌ترین نظریه پردازان سرمایه فرهنگی بوردیو می‌باشد. از نظر بوردیو سرمایه فرهنگی یعنی قابلیت و توانائی شناخت و بهره‌گیری از کالاهای فرهنگی در هر فرد و آن در برگیرنده‌ی تمایلات پایدار فرد است که در خلال اجتماعی شدن در فرد انباشته می‌شود (حیدرخانی و دیگران، ۱۳۹۲: ۶۳-۵۹). بوردیو برای تحلیل نقش سرمایه فرهنگی در موفقیت‌های آموزشی از مفهوم «باز تولید فرهنگی» استفاده کرده است.

مفهوم باز تولید فرهنگی اشاره به وسایلی دارد که به کمک آنها مدارس بر یادگیری ارزش‌ها، نگرش‌ها و عادت‌ها تأثیر می‌گذارد. مدارس ارزش‌های متفاوت فرهنگی و شیوه‌های نگرش فرا گرفته شده در اوایل زندگی را تقویت می‌کنند. هنگامی که کودکان مدرسه را ترک می‌گویند این عوامل برای برخی اثر محدود کننده‌ای در فرصت‌ها دارد و برای دیگران دارای اثرات تسهیل کننده است.

بوردیو برداشتی از طبقه ارائه می‌دهد که فراتر از مفهوم طبقه در نزد مارکس می‌باشد. او برخلاف مارکس که طبقه را نظامی از حقوق مادی می‌داند، برداشت پیچیده‌ای از طبقه را مطرح می‌کند که انواع سرمایه، یعنی سرمایه اجتماعی، سرمایه فرهنگی، سرمایه اقتصادی و سرمایه نمادین را در برمی‌گیرد. در بررسی و تعاریف مفاهیم فوق در بخش انواع سرمایه تعاریفی مختصر ارائه شد. از نظر بوردیو اشکال مختلف سرمایه قابل تعویض و تبدیل شدن به یکدیگر می‌باشند، یعنی ثروت زمانی که به سرمایه نمادین یا فرهنگی تبدیل شود و به صورت تعهدات اجتماعی و بصورت ائتلاف‌ها و اعتبار و احترام و مدارک تحصیلی درآید، می‌تواند قدرت تولید کند. سرمایه فرهنگی قابل تفکیک به سه مقوله است:

الف- سرمایه فرهنگی تجسیدی یا لحاظ شده<sup>۲</sup>: این نوع سرمایه به بدن و ذهن فرد پیوسته و به تلاش‌ها و سرمایه‌گذاری شخصی فرد وابسته است و به وسیله خود فرد به دست می‌آید (تراسبی، ۱۳۹۳: ۴۴).

ب- سرمایه فرهنگی<sup>۱</sup> عینیت یافته: اشیاء، کالاهای فرهنگی و رسانه‌ای مانند نوشته‌ها، کتاب‌ها، نقاشی‌ها و ابزارهای موسیقی، جزء سرمایه فرهنگی عینیت یافته هستند. بهره‌گیری از سرمایه فرهنگی عینیت یافته، وابسته به سرمایه فرهنگی تجسیدی فرد است (حیدرخانی و دیگران، ۱۳۹۲: ۶۳-۵۹).

1. Brown

2 - Embodied

پ- سرمایه فرهنگی نهادینه شده<sup>۲</sup>: عینیت سنجشیدن به سرمایه فرهنگی، از طریق مدارک دانشگاهی و تحصیلی است و خارج از دارایی‌های مادی و عینی فرهنگی و سرمایه تجسیدی و بیولوژیکی واقعیت پیدا می‌کند. این کار از طریق کسب عناوین تحصیلی که به صورت قانون و نهادی تأیید شده است، حاصل می‌شود. این مدارک مستقل از صاحبانشان دارای اعتبارند و می‌توان افراد را از نظر این نوع مدارک، با هم مقایسه کرد، حتی می‌توان نرخ تبدیل این نوع سرمایه فرهنگی را به سرمایه اقتصادی بر حسب ارزش پولی برآورد کرد. استراتژی تغییر و تبدیل این نوع سرمایه فرهنگی به سرمایه اقتصادی، وابسته به کمیابی آن است. برای اندازه‌گیری این نوع سرمایه فرهنگی، می‌توان مدارک تحصیلی، مدارک فنی و حرفه‌ای، انواع گواهی نامه‌های فرهنگی و هنری از انجمن‌های رسمی مانند خوشنویسان، موسیقی، هنرهای نمایشی و ... را در نظر گرفت (پورزارعیان، ۱۳۸۷: ۲۴).

به اعتقاد بوردیو هم سرمایه اقتصادی و هم سرمایه فرهنگی سهم مهمی در نابرابری و باز تولید آن ایفا می‌کنند و کشاکش متعددی را در بطن زندگی اجتماعی ایجاد می‌نمایند و از سوی دیگر، قابل تبدیل به یکدیگر می‌باشند (پورزارعیان، ۱۳۸۷: ۲۴).

بوردیو و بولتانسکی<sup>۳</sup> خاطر نشان ساخته‌اند که در استراتژی باز تولید طبقات صاحب سرمایه تغییراتی ایجاد شده است. به نظر آنها قبلاً طبقات مسلط تداوم موقعیت‌شان را از طریق انتقال مستقیم سرمایه اقتصادی به فرزندان‌شان به واسطه قوانین ارث تضمین می‌کردند. اما حضور گسترده مدیران در عرصه قدرت، بکارگیری افراد بر پایه معیارهای عقلایی را غیر قابل اجتناب نموده است و تقاضا برای دستیابی به فرصت‌های برابر باعث شده است که طبقات مسلط در روش باز تولید طبقاتی خود تغییر ایجاد نمایند.

آنها عنوان می‌کنند که لازمه استراتژی جدید باز تولید طبقات مسلط، دسترسی به آموزش عالی است. در واقع، آموزش عالی استراتژی جدید باز تولید می‌باشد. ویژگی بارز نظریه سرمایه فرهنگی بوردیو، تحلیل ساز و کار موفقیت‌های تحصیلی با عنایت به میزان برخوردارگی گروه‌ها و طبقات اجتماعی از این سرمایه می‌باشد. دانش آموزانی که سرمایه فرهنگی بیشتری دارند- دانش آموزان خانواده‌هایی که مهارت‌ها و برتری‌های فرهنگی مسلط را در اختیار دارند- بهتر می‌توانند قواعد بازی را رمزگشایی کنند و مهارت‌ها و برتری‌های فرهنگی را که در مدارس پاداش می‌گیرند در خود پرورش دهند و بنابراین بهتر می‌توانند به سطوح بالای تحصیلی برسند (حیدرخانی و دیگران، ۱۳۹۲: ۶۳-۵۹).

هایس<sup>۴</sup> اصطلاح سرمایه فرهنگی را بازنمای جمع نیروهای غیر اقتصادی مانند زمینه خانوادگی، طبقه اجتماعی، سرمایه گذاری های گوناگون و تعهدات نسبت به تعلیم و تربیت، منابع مختلف و مانند آنها دانست که بر موفقیت آکادمیک (علمی یا تحصیلی) تأثیر می‌گذارد. سرمایه فرهنگی به عنوان صلاحیت در فرهنگ پایگاه‌ها، گرایش‌ها و

1 - Objective  
2 - institutionalized  
3 - Boltansky  
4 . Hayes



ایده‌ها تعریف می‌شود که اغلب گرایش‌های مختلف را به یکدیگر نزدیک ساخته و منتهی به سازش بین گروهی می‌شود (تراسبی، ۱۳۹۳: ۷۴-۶۸).

تمرکز اصلی تئوری سرمایه فرهنگی این است که فرهنگ از طریق سیستم آموزشی که بازتاب فرهنگ طبقه حاکم است، انتقال می‌یابد و تشویق می‌شود و در نهایت موجب بازتولید همان فرهنگ خواهد شد. همچنین ریچارد زوئینگهافت، سرمایه فرهنگی را انواع گوناگون دانش‌ها و مهارت‌ها می‌داند.

برکس<sup>۱</sup> و فولک<sup>۲</sup> واژه سرمایه فرهنگی را برای اشاره به قابلیت‌های انعطاف‌پذیر جوامع انسانی برای پرداختن به محیط زیست و اصلاح آن به کار می‌برند (تراسبی، ۱۳۹۳: ۷۴-۶۸).

دومایس<sup>۳</sup> اشاره می‌کند که سرمایه فرهنگی مشتمل بر کفایت زبانی و فرهنگی و مهارت‌سازی در فرهنگ طبقات بالاتر است. موضوع زبان مناسب و «فرهینخته» به عنوان جزئی مهم از تعریف سرمایه به عنوان جزئی مهم از تعریف سرمایه فرهنگی به وسیله سولیوان (۲۰۰۱) ارائه شده است (حیدرخانی و دیگران، ۱۳۹۲: ۶۳-۵۹).

#### ۴. چارچوب نظری پژوهش

در این قسمت از پژوهش نظریاتی ارائه می‌شوند که مبنای استخراج فرضیه‌ها و مبنای نظری انجام پژوهش حاضر می‌باشند.

کارل دوپیچ میزان تحرک اجتماعی را معیار عمده توسعه سیاسی در نظر می‌گیرد و تحرک اجتماعی را به وسیله افزایش درآمد، تمایل بیشتر به مصرف کالاهای فرهنگی، گسترش شهرنشینی، مشارکت بالا در انتخابات و تبعیت از قوانین مقدور می‌داند.

میلبراث و گوئل در تبیین مشارکت سیاسی از هفت عامل عمده نام می‌برند. این عوامل عبارتند از: داشتن انگیزه سیاسی، دارا بودن موقعیت اجتماعی، داشتن ویژگی‌های شخصی، مکان سیاسی مناسب، مهارت، منابع و تعهد.

براون معتقد است که عوامل مختلفی باعث مشارکت انتخاباتی مردم میشوند. این عوامل تأثیرگذار عبارتند از: خانواده- محل سکونت، ریشه‌های قومی، تصورات حزبی، وسایل ارتباط جمعی، عوامل فرهنگی و دین. به زعم وی هر کدام از این عوامل بر چگونگی رفتار رأی‌دهندگی افراد تأثیر می‌گذارند (طیبی نیا و نقدی، ۱۳۹۱: ۶۳).

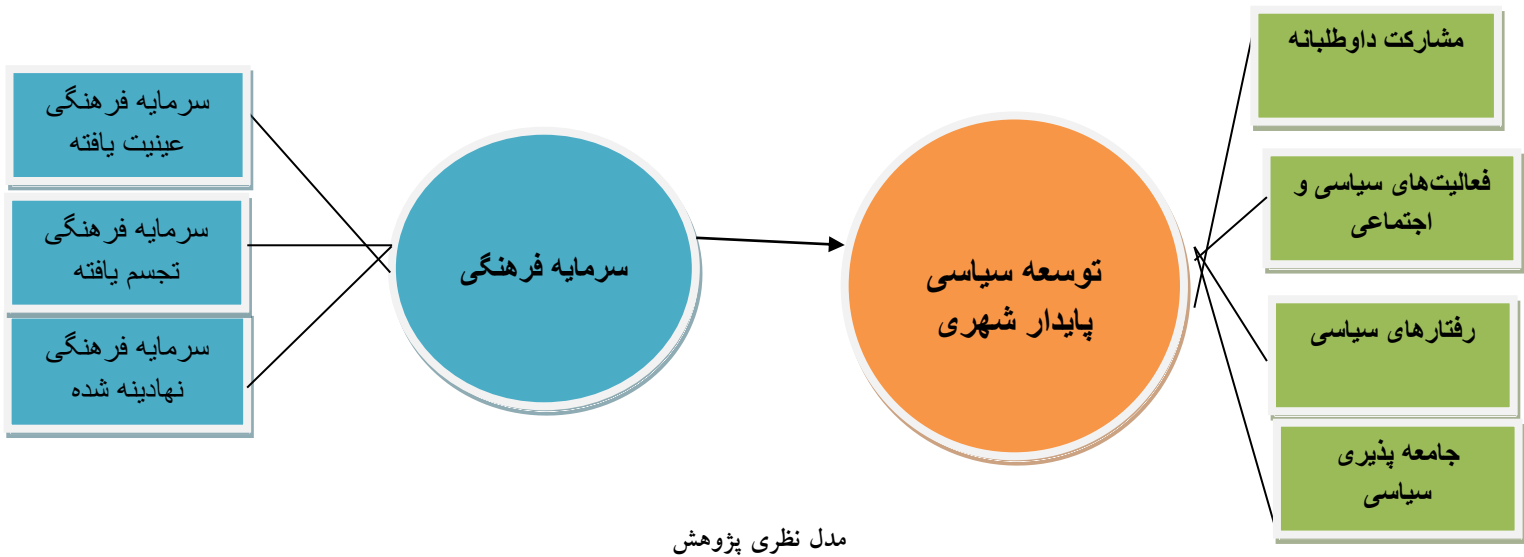
آلموند و وربا معتقدند با اندازه گرفتن و تعیین نمودن مقدار تغییرات در ساختارهای اجتماعی، در الگوهای فرهنگ‌پذیری، در میزان تقاضاها، در وجود آوردن گروه‌های نفوذ، احزاب سیاسی و وسایل ارتباطی جمعی، این تغییرات را بعنوان ابعاد توسعه سیاسی و در پایان بتوان بین خواسته‌ها و تصمیمات نظام تعادل برقرار نمود (امین زاده، ۱۳۷۶: ۱۰۴). بنابراین از نظریه‌های کارل دوپیچ، میلبراث و گوئل، براون و آلموند و وربا این فرضیه اصلی استخراج می‌گردد که:

بین سرمایه فرهنگی و توسعه سیاسی پایدار شهری از دیدگاه شهروندان ارتباط وجود دارد.

1. Brex  
2. Volk  
3. Dumais

همچنین با توجه به شاخص های در نظر گرفته شده توسط بوردیو، این فرضیه های فرعی استخراج می گردد که:

بین سرمایه فرهنگی نهادینه شده، سرمایه فرهنگی عینیت یافته و سرمایه فرهنگی تجسم یافته با توسعه سیاسی پایداری شهری از دیدگاه شهروندان ارتباط وجود دارد.



مدل نظری پژوهش

##### ۵. روش شناسی

این تحقیق با توجه به شکل داده های مورد تحلیل قرار گرفته، تحقیق کمی بوده و از جهت شیوه مواجهه با مسأله تحقیق و ورود به آن تحقیق میدانی محسوب می گردد و روش استفاده شده در این تحقیق پیمایش است. در این تحقیق به منظور گردآوری داده های لازم از ابزار پرسشنامه بهره برده شده است. قبل از شروع پژوهش، پرسشنامه اولیه مورد آزمون واقع شده و با بهره گیری از نتایج اخذ شده، نقص های فعلی رفع و پرسشنامه نهایی تدوین شد.

جامعه آماری این تحقیق، کلیه افراد بالاتر از ۱۸ سال شهر اصفهان می باشد که تعداد آنها بر اساس سرشماری سال ۱۳۹۵ در حدود ۱۵۰۰۰۰۰ هزار نفر می باشد. به منظور تبیین نظریات جامعه مورد بررسی از روش «نمونه گیری» استفاده شده که بر اساس فرمول کوکران تعدادی از اشخاص (۳۸۴ نفر) که نشان دهنده جامعه آماری هستند به عنوان نمونه انتخاب شده اند.

$$n = \frac{\frac{t^2 pq}{d^2}}{1 + \frac{1}{N} \left( \frac{t^2 pq}{d^2} - 1 \right)}$$

$$N = 1500000 \quad t = 1/96 \quad P = 0/5 \quad q = 0/5 \quad d = 0/05$$

$$n = \frac{\frac{(1/96)^2 \times (0/5)(0/5)}{(0/05)^2}}{1 + \frac{1}{1500000} \left( \frac{(1/96) \times (0/5)(0/5)}{(0/05)^2} - 1 \right)} = 384$$

همچنین شیوه نمونه گیری خوشه ای و تصادفی ساده در دو مرحله می باشد. بدین صورت که با استفاده از نمونه گیری خوشه ای تعدادی از محله های شهر یاسوج انتخاب و از هر محله به شیوه تصادفی نمونه نهایی استخراج شد. پس از جمع آوری داده ها تجزیه و تحلیل آن ها با بهری گیری از نرم افزار **SPSS** و **PLS Smart** انجام و در این راستا برای بررسی فرضیه ها، آزمون های آماری متناسب مورد استفاده قرار گرفت. در این راستا به منظور اطمینان از اعتبار لازم به مشاوره و بهره گیری از نظرات اساتید و کارشناسان مجرب و همچنین از آزمون آلفای کرونباخ به منظور اندازه گیری پایایی پرسشنامه اقدام گردیده، که بر پایه ضریب آلفا میزان پایایی کلیه متغیرهای تحقیق بیشتر از ۰/۷ است.

#### ۵-۱. تعریف مفهومی و عملیاتی متغیرهای پژوهش

توسعه سیاسی:

تعریف مفهومی: توسعه سیاسی تعریف دقیق و مشخصی ندارد که دلیل آن را باید در مطالعات فراوانی جست که از دیدگاه مطالعات میان رشته ای در مورد رشد، نوسازی و توسعه ی دولت های جدید در جهان سوم صورت گرفته است (لاموند تولیس<sup>۱</sup>، ۱۹۷۳: ۴۵) هانتینگتون معتقد است که توسعه سیاسی بر اساس میزان صنعتی شدن، رشد اقتصادی و مشارکت سیاسی مورد توجه قرار گرفته و در فرایندهای توسعه سیاسی تقاضاهای جدیدی بصورت مشارکت سیاسی ظهور می کنند (هاروی<sup>۲</sup>، ۱۹۸۹: ۱۱۵).

تعریف عملیاتی: توسعه سیاسی در این پژوهش با شاخص های مشارکت داوطلبانه، فعالیت های سیاسی و اجتماعی، رفتارهای سیاسی و جامعه پذیری سیاسی مورد سنجش قرار گرفته شده است.

سرمایه فرهنگی:

تعریف مفهومی: سرمایه ی فرهنگی به شیوه های فرهنگی خاصی که در روند آموزش های رسمی و خانوادگی در افراد تثبیت شده، اشاره دارد و نیز ظرفیت شناخت افراد در کاربرد لوازم فرهنگی را در بر می گیرد (بوردیو<sup>۳</sup>، ۱۹۸۰: ۲۴۰).

1 . LaMond Tullis  
2 . Harvey  
3 . Bourdieu

تعریف عملیاتی: سرمایه ی فرهنگی در این پژوهش با شاخص های سرمایه فرهنگی عینیت یافته، نهادینه شده و تجسم یافته مورد سنجش قرار گرفته شده است.

۶. تجزیه و تحلیل داده ها

۱- ۶. آمار توصیفی

سرمایه فرهنگی

جدول ۱. توزیع پاسخگویان بر حسب سرمایه فرهنگی و ابعاد آن

میانگین	خیلی زیاد		زیاد		متوسط		کم		خیلی کم		مؤلفه های سرمایه فرهنگی
	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	
۳/۴۲	۲۱/۳۵	۸۲	۲۳/۴۳	۹۰	۴۲/۴۵	۱۶۳	۵/۲۱	۲۰	۷/۵۵	۲۹	عینیت یافته
۲/۸۶	۵/۲۱	۲۰	۱۷/۹۶	۶۹	۴۵/۳۱	۱۷۴	۲۰/۵۷	۷۹	۱۰/۹۴	۴۲	تجسم یافته
۳/۰۳	۱۰/۴۱	۴۰	۲۷/۳۴	۱۰۵	۳۰/۴۶	۱۱۷	۱۶/۱۵	۶۲	۱۵/۶۲	۶۰	نهادینه شده
۳/۱۰											میزان کل سرمایه فرهنگی

جدول شماره ۱ مربوط به متغیر سرمایه فرهنگی و مؤلفه های آن، نشان می دهد که در میان مؤلفه های سرمایه فرهنگی بیشترین میانگین مربوط به سرمایه فرهنگی عینیت یافته (۳/۴۲) و کمترین میانگین مربوط به سرمایه فرهنگی تجسم یافته (۲/۸۶) می باشد. میانگین سرمایه فرهنگی نهادینه شده (۳/۰۳) و میانگین کلی سرمایه فرهنگی نیز (۳/۱۰) می باشد که میزان آن بالاتر از متوسط است.

توسعه سیاسی پایدار شهری از دیدگاه شهروندان

جدول ۲. توزیع پاسخگویان بر حسب توسعه سیاسی پایدار شهری از دیدگاه شهروندان و ابعاد آن

میانگین	خیلی زیاد		زیاد		متوسط		کم		خیلی کم		مؤلفه های توسعه سیاسی پایدار شهری
	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	
۳/۳۹	۱۸/۲۳	۷۰	۳۱/۵۱	۱۲۱	۲۹/۴۲	۱۱۳	۱۳/۲۹	۵۱	۷/۵۵	۲۹	مشارکت داوطلبانه
۳/۲۱	۱۲/۵	۴۸	۲۸/۶۵	۱۱۰	۳۱/۲۵	۱۲۰	۲۲/۶۵	۸۷	۴/۹۵	۱۹	فعالیت های سیاسی و اجتماعی
۲/۸۶	۵/۲۱	۲۰	۱۷/۹۶	۶۹	۴۵/۳۱	۱۷۴	۲۰/۵۷	۷۹	۱۰/۹۴	۴۲	رفتارهای سیاسی
۳/۰۳	۱۰/۴۱	۴۰	۲۷/۳۴	۱۰۵	۳۰/۴۶	۱۱۷	۱۶/۱۵	۶۲	۱۵/۶۲	۶۰	جامعه پذیری سیاسی

جدول شماره ۲ مربوط به متغیر توسعه سیاسی پایدار شهری و مؤلفه‌های آن، نشان می‌دهد که در میان مؤلفه‌های توسعه سیاسی پایدار شهری در شهر اصفهان بیشترین میانگین مربوط به مشارکت داوطلبانه (۳/۳۹) و کمترین میانگین مربوط به رفتارهای سیاسی (۲/۸۶) می‌باشد. میانگین جامعه پذیری سیاسی (۳/۰۳)، میانگین فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی (۳/۲۱) و میانگین کلی توسعه سیاسی پایدار شهری از دیدگاه شهروندان شهر اصفهان (۳/۱۲) می‌باشد که میزان آن کمی بالاتر از متوسط است.

#### آمار استنباطی

#### آزمون کلموگروف - اسمیرنوف به منظور تعیین توزیع نرمال یا غیرنرمال داده‌ها

به منظور بهره‌گیری از آزمون‌های پارامتریک، شرایطی مهیا می‌باشد که یکی از آنها عبارت است از: شرط توزیع نرمال داده‌ها.

#### جدول ۳. آزمون کلموگروف - اسمیرنوف

مقیاس‌ها	توسعه سیاسی	سرمايه فرهنگي عینیت یافته	سرمايه فرهنگي تجسم یافته	سرمايه فرهنگي نهادینه شده
تعداد	۳۸۴	۳۸۴	۳۸۴	۳۸۴
مقادیر کلموگروف - اسمیرنوف	۲/۱۷	۲/۱۲	۳/۰۷	۲/۵۲
سطح معناداری (دو دامنه)	۰/۱۴	۰/۰۷۶	۰/۰۸۳	۰/۱۷

بر اساس نتایج میزان معناداری کلیه متغیرهای فوق بالاتر از ۰/۰۵ بوده و بنابراین نمایانگر توزیع نرمال داده‌ها است. لذا با توجه به این وضعیت امکان استفاده از آزمون‌های پارامتریک وجود دارد.

#### ۲ - ۶. آزمون فرضیه‌ها

- بین سرمایه فرهنگی در ابعاد مختلف (عینیت یافته، نهادینه شده، تجسم یافته) با توسعه سیاسی پایدار شهری از دیدگاه شهروندان شهر اصفهان ارتباط وجود دارد.

جهت بررسی و تحلیل فرضیه‌های اصلی و فرعی از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شده است. نتایج نشان می‌دهند که:

#### جدول ۴. میزان همبستگی بین متغیرهای تحقیق

نام متغیر	توسعه سیاسی پایدار شهری

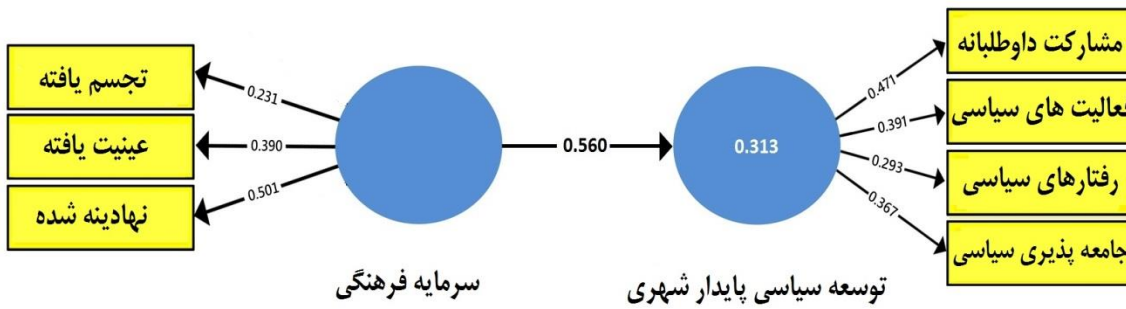
سطح معناداری	ضریب همبستگی	شاخص ها	
۰/۰۰۰	۰/۳۴	سرمایه فرهنگی عینیت یافته	سرمایه فرهنگی
۰/۰۰۱	۰/۳۱	سرمایه فرهنگی نهادینه شده	
۰/۰۰۰	۰/۳۷	سرمایه فرهنگی تجسم یافته	
۰/۰۰۰	۰/۳۲	میزان کل سرمایه فرهنگی	

یافته ها نشان می دهند که مابین میزان کل سرمایه فرهنگی و شاخص های آن با توسعه سیاسی پایدار شهری ارتباط مثبت و مستقیم و معنادار وجود دارد. لذا با عنایت به یافته های تحقیق بین سرمایه فرهنگی تجسم یافته و توسعه سیاسی پایدار شهری ( $P=0/37$ ) بیشترین ضریب همبستگی و بین سرمایه فرهنگی نهادینه شده و توسعه سیاسی پایدار شهری کمترین ضریب همبستگی ( $P=0/31$ ) موجود است. همچنین بین سرمایه فرهنگی عینیت یافته ( $P=0/34$ ) با توسعه سیاسی پایدار شهری از دیدگاه شهروندان ارتباط مثبت و معنادار موجود است. بنابراین در جمع بندی کلی می توان عنوان نمود که هر چه میزان کل سرمایه فرهنگی ( $P=0/32$ ) و ابعاد آن بیشتر شود میزان توسعه سیاسی پایدار شهری بیشتر شده و بنابراین تمام فرضیه های تحقیق مورد تأیید قرار می گیرند.

#### مدل معادله ساختاری (Smart PLS)

به منظور تعیین شدت و جهت بررسی تأثیر ابعاد مختلف سرمایه فرهنگی بر توسعه سیاسی پایدار شهری از دیدگاه شهروندان شهر اصفهان از یک مدل معادله ساختاری بهره گرفته شده است. در این پژوهش با استفاده از روش مدلسازی معادلات ساختاری به آزمون مدل های معادله ساختاری پژوهش پرداخته می شود. رویکرد در این قسمت، رویکرد دو مرحله ای است. بدین معنی که پس از تدوین مدل نظری پژوهش لازم است تا به بحث برآورد مدل یا به عبارتی دیگر برآورد پارامترهای آزاد در مدل و تحلیل شاخص های جزئی و کلی مدل پرداخت تا مشخص شود که آیا داده های تجربی در مجموع حمایت کنندهی مدل نظری تدوین شده هستند یا خیر. برآوردهای مربوط به شاخص های ارزیابی کلیت مدل ساختاری و پارامترهای اصلی این مدل (اثر متغیر سرمایه فرهنگی بر توسعه سیاسی پایدار شهری) در شکل و جداول زیر گزارش شده است:

شکل ۱: مدل معادله ساختاری اثر سرمایه فرهنگی بر توسعه سیاسی پایدار شهری



جدول ۵. برآورد شاخص های ارزیابی کلیت مدل معادله ساختاری

شاخص	GOF	SRMR	NFI
مقدار	۰/۸۱	۰/۰۸۳	۰/۹۰

بر اساس یافته ها داده ها مدل نظری پژوهش را حمایت می کنند، به عبارت دیگر برازش داده ها به مدل برقرار است و شاخص ها دلالت بر مطلوبیت مدل معادله ساختاری دارند.

جدول ۶. برآورد اثر متغیر سرمايه فرهنگي بر توسعه سياسي پايدار شهري

متغیر مستقل	مسیر	متغیر وابسته	ضریب تعیین	ضریب اثر	مقدار بحرانی	سطح معناداری
سرمايه فرهنگي	<---	توسعه سياسي پايدار شهري	۰/۳۱	۰/۵۶	½	۰/۰۰۱

مقادیر برآورد شده در جدول بالا بیانگر این است: (۱) متغیر سرمايه فرهنگي در مجموع ۰/۳۱ از واریانس متغیر توسعه سياسي پايدار شهري را تبیین می کند، با در نظر گرفتن مقادیر مرتبط با حجم اثر شاخص ضریب تعیین این میزان در حد متوسط (۰/۳۱) برآورد می گردد، به بیان دیگر سرمايه فرهنگي در ابعاد مختلف در حد متوسط توان تبیین واریانس متغیر توسعه سياسي پايدار شهري از دیدگاه شهروندان را دارد. (۲) اثر متغیر سرمايه فرهنگي بر توسعه سياسي پايدار شهري به لحاظ آماری معنادار است. بنابراین می توان گفت اثر متغیر سرمايه فرهنگي بر توسعه سياسي پايدار شهري مثبت، مستقیم و در حد متوسط برآورد می شود، به این ترتیب که بالا رفتن میزان سرمايه فرهنگي می تواند در حد متوسط منجر به تقویت توسعه سياسي پايدار شهري از دیدگاه شهروندان شهر اصفهان گردد.

نتیجه گیری

همان گونه که ذکر گردید تا قبل از دهه‌ی هفتاد میلادی، در ادبیات رایج توسعه، فرهنگ و ارزش‌های فرهنگی، جایگاهی درخور نداشت و عوامل اقتصادی، محور مباحث توسعه را تشکیل می‌داد؛ اما در دهه‌ی هفتاد به بعد، بسیاری از نظریه‌پردازان چنین نگرشی را برتافته و به ارزشی بودن توسعه در ابعاد اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی گرویده‌اند. توسعه که پیش از این، امری صرفاً اقتصادی و مساوی با رشد تولید ملی تلقی می‌شد، پس از آن، در کنفرانس‌های سازمان ملل متحد، عوامل دیگری مانند عوامل فرهنگی، مورد عنایت قرار گرفت و چگونگی توزیع منابع رشد، در کانون توجه واقع شد.

در همین راستا، با توجه به اهمیت بررسی ارتباط سرمایه فرهنگی و توسعه پایدار شهری در این تحقیق به بررسی ابعاد مختلف سرمایه فرهنگی چون سرمایه فرهنگی عینیت یافته، تجسم یافته و نهادینه شده به عنوان متغیرهای مستقل و رابطه آن با توسعه سیاسی پایدار شهری به عنوان متغیر وابسته پرداخته شد.

نتایج نشان می‌دهند که مابین میزان کل سرمایه فرهنگی و شاخص‌های آن با توسعه سیاسی پایدار شهری رابطه مثبت و مستقیم و معنادار وجود دارد. لذا با عنایت به یافته‌های تحقیق بین سرمایه فرهنگی تجسم یافته و توسعه سیاسی پایدار شهری  $(P=0/37)$  بیشترین ضریب همبستگی و بین سرمایه فرهنگی نهادینه شده و توسعه سیاسی پایدار شهری کمترین ضریب همبستگی  $(P=0/31)$  موجود است. همچنین بین سرمایه فرهنگی عینیت یافته  $(P=0/34)$  با توسعه سیاسی پایدار شهری از دیدگاه شهروندان ارتباط مثبت و معنادار موجود است. بنابراین در جمع بندی کلی می‌توان عنوان نمود که هر چه میزان کل سرمایه فرهنگی  $(P=0/32)$  و ابعاد آن بیشتر شود میزان توسعه سیاسی پایدار شهری بیشتر شده و بنابراین تمام فرضیه‌ها تأیید می‌شوند.

لذا با توجه به مقدار ضریب تأثیر حاصل از مدل معادلات ساختاری متغیر سرمایه فرهنگی در مجموع  $0/56$  از واریانس متغیر توسعه سیاسی پایداری شهری را تبیین می‌کند، با در نظر گرفتن مقادیر مرتبط با حجم اثر شاخص ضریب تعیین این میزان در حد متوسط  $(0/31)$  برآورد می‌گردد، به بیان دیگر سرمایه فرهنگی در ابعاد مختلف در حد متوسط توان تبیین واریانس متغیر توسعه سیاسی پایداری شهری از دیدگاه شهروندان را دارد.

یافته‌های پژوهش حاضر مبنی بر ارتباط بین سرمایه فرهنگی و توسعه سیاسی با یافته‌های پژوهش‌های موسوی و دیگران (۱۳۹۹)، حمیدی هریس و راد (۱۳۹۶) و رضائی و دیگران (۱۳۹۰) همخوانی وجود دارد. هرکدام از پژوهشگران فوق در پژوهش خود به ارتباط بین عوامل فرهنگی و توسعه پایدار پی بردند. همچنین یافته‌های پژوهش با نظریه‌های کارل دویچ، میلبراث و گوئل، براون و آلموند و وربا همخوان است. هرکدام از نظریه‌پردازان مذکور در نظریه‌های خود عوامل فرهنگی را مؤثر بر توسعه سیاسی دانسته‌اند.

بنابراین مشاهده می‌شود که عوامل فرهنگی به صورت اعم و سرمایه فرهنگی به صورت اخص یکی از منابع مهم توسعه سیاسی پایدار است و با افزایش سرمایه فرهنگی در ابعاد مختلف میزان توسعه سیاسی افزایش پیدا می‌کند. سرمایه فرهنگی به واسطه ابعاد شناختی، حسی و رفتاری که در اختیار افراد قرار می‌دهد، در ایجاد و تثبیت توسعه سیاسی نقش مؤثر ایفا می‌کند. سرمایه فرهنگی نیز که خود به تعبیر بوردیو حاکی از شناخت و ادراک



فرهنگ و هنرهای متعالی، داشتن ذائقه خوب و شیوه های عمل مناسب و حاصل تحصیلات، مدارک، مهارت ها و تجربه های فرهنگی است، در توسعه ی یک جامعه مؤثر است.

با تحقق یافتن سرمایه فرهنگی در یک جامعه ظرفیت فعالیت های جمعی و همکاری بین شهروندان مهیا می گردد و بدین ترتیب به عنوان عاملی مؤثر در افزایش احساس احترام اشخاص به حقوق یکدیگر، مانعی برای رفتار های سودجویانه اشخاص به نفع خود و به ضرر محیطی که در آن هستند می گردد. لذا سرمایه فرهنگی به عنوان یک ثروت بااهمیت برای حفاظت و نگهداشت سلامت اجتماعی و توانمندی جامعه مدنی و توسعه پایدار آن در ابعادی متفاوت پذیرفته می گردد.

## منابع

## فارسی

- آلموند، گابریل. (۱۳۷۶). چارچوبی برای سیاست تطبیقی. ترجمه علیرضا طیب. تهران: مرکز آموزش مدیریت دولتی.
- امین زاده، محسن. (۱۳۷۶). توسعه سیاسی. اطلاعات سیاسی - اقتصادی. شماره ۱۱۸ - ۱۱۷.
- باینگانی، بهمن و کاظمی، علی. (۱۳۸۹). بررسی مبانی تئوریک مفهوم سرمایه فرهنگی. برگ فرهنگ، شماره ۲۱، بهار و تابستان.
- بدیع، برتران. (۱۳۹۳). توسعه سیاسی. ترجمه احمد نقیب زاده، تهران، قومس.
- پورزارعیان، ناصر. (۱۳۸۷). بررسی وضعیت اقتصادی و فرهنگی خانواده‌های جوانان در میزان سرمایه فرهنگی و اجتماعی آنان (مطالعه موردی در شهر تبریز)، پایان نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی.
- تراسبی، دیوید. (۱۳۹۳). اقتصاد و فرهنگ. ترجمه ی کاظم فرهادی، تهران: نشر نی.
- جهانگیری، مسعود. (۱۳۹۴). توسعه سیاسی و موانع آن در ایران و کشورهای خاورمیانه. تهران: کنفرانس بین‌المللی علوم انسانی، روانشناسی و علوم اجتماعی، تهران.
- جهانی نیا، مهدی. (۱۳۹۴). واکاوی رابطه سرمایه اجتماعی با توسعه سیاسی - مشارکت سیاسی در بین کارکنان ودانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد زرقان. تهران: اولین کنفرانس حقوق، علوم سیاسی و علوم انسانی.
- حمیدی هریس، رسول و راد، فیروز. (۱۳۹۶). بررسی رابطه سرمایه فرهنگی با مشارکت سیاسی دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز. دوره ۱۰، شماره ۳۵، تابستان.
- حیدرخانی، هابیل و دیگران. (۱۳۹۲). بررسی رابطه سرمایه فرهنگی و مدیریت بدن زنان در شهر کرمانشاه. زن و فرهنگ، سال چهارم، شماره ۱۸.
- راش، مایکل. (۱۳۹۰). جامعه و سیاست، مقدمه ای بر جامعه‌شناسی سیاسی. ترجمه منوچهر صبوری، تهران: انتشارات سمت.
- رضایی علی اکبر. صالحی امیری، سیدرضا. رفیعی نژاد، علی اصغر. (۱۳۹۰). موانع فرهنگی توسعه سیاسی در ایران و ارایه راهکارهای مدیریتی در این حوزه. مدیریت فرهنگی، دوره ۵، شماره ۱۱.
- طیبی نیا، موسی و نقدی، اسدالله. (۱۳۹۱). بررسی مشارکت سیاسی دانش‌آموزان و عوامل مرتبط با آن. فصلنامه مطالعات جامعه‌شناختی جوانان، سال سوم، شماره ۷، پاییز.
- قوام، عبدالعلی. (۱۳۹۰). سیاست‌های مقایسه‌ای. تهران: سمت.

- مرادنژادسرای، سولماز و توسلی رکن آبادی، مجید و ابطحی، سیدمصطفی و اشرف نظری، علی. (۱۳۹۵).  
نقش فرهنگ سیاسی در توسعه سیاسی جامعه. قم: نخستین همایش ملی علوم اسلامی حقوق و مدیریت.
- مرادی زاده، فاطمه و چراغ بیرجندی، کاظم. (۱۳۹۷). بررسی وضعیت سرمایه فرهنگی در بین دانشجویان شرکت کننده در چهاردهمین المپیاد ورزشی دانشجویان کشور، اهواز: دومین همایش ملی دستاوردهای علوم ورزشی و سلامت اهواز.
- موسوی، سید محمدرضا. ابطحی، سیدمصطفی. مطلبی، مسعود. بیات، بهرام. (۱۳۹۹). چندپارگی فرهنگی و توسعه سیاسی ایران معاصر. دوره ۹، شماره ۳۳، تابستان.
- مهدی خانی، علیرضا. (۱۳۸۰). توسعه سیاسی و اقتصادی. تهران: انتشارات آرون.
- میرزایی، شراره و عظیمی، مجید. (۱۳۹۹). اثر روابط سیاسی بر توسعه پایدار. ساری: اولین کنفرانس بین المللی چالش ها و راهکارهای نوین در مهندسی صنایع و مدیریت و حسابداری.
- نظریپور، محمدتقی. (۱۳۷۸). ارزش ها و توسعه: بررسی موردی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران. تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- هانتینگتون، ساموئل و واینر، مایرون. (۱۳۹۲). درک توسعه سیاسی. ترجمه: گروه ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- هانتینگتون، ساموئل. (۱۳۹۶). سامان سیاسی در جوامع دستخوش دگرگونی. ترجمه: محسن ثلاثی. تهران: نشر علم.

انگلیسی

- Bourdieu, P. (1980), *Le capital social: notes provisoires; Actes de la Recherche en Sciences Sociales*, 3, 2-3.
- Guth & J. Green & L. Kellstedt & C. Smidt. (2017). "Religion and Political Participation", Prepared for *Delivery at the 2002 Annual Meeting of the American Political Science Association*.
- Harvey, D. (1989). *The Condition of Post modernity*. OXFORD, Blackwell
- Jemna, V & M. Curelaru, (2011). Values and Students' Political Participation, *Journal for The Study of Religions and Ideologies*, 8, (24).
- Olsen, Marvin E. (2001). *Societal dynamics: exploring macrosociology*. New jersey: Prentic Hall.
- LaMond Tullis, F. (1973). *Politics and Social Change in Third World Countries*. Wiley.